

Research Article

Analysis of the Novel " Yellow Apple Taste" by Nasser Yousefi from the Point of View of Trauma Criticism

Asieh Zabihnia Emran

Abstract

The present study analyzes Nasser Yousefi's (1967) novel " Yellow Apple Taste" based on trauma. Trauma is an experience or event that profoundly affects a person and can leave long-term psychological, physical, or social consequences. This incident may directly or indirectly affect the individual or those around them, causing feelings such as anxiety, fear, sadness, or a sense of helplessness. The Yellow Apple Taste novel is a psychological work that deals with the personalities of three classmates during their adolescence. Characters who were affected by unfavorable family, social, cultural, and environmental factors and immigration, and whose destructive effects have emerged in the form of a feeling of insecurity in their lives. This article, using a descriptive-analytical method and based on library tools, tries to answer the main question, which types of traumas are more prominent in Yellow Apple Taste novel? According to the research findings, in this novel, trauma changes the foundation of human relationships and leaves them with no identity. The objective consequences of trauma in the Yellow Apple Taste novel are manifested in the form of shock, anxiety, coldness and indifference, numbness and isolation, behavioral disorders, aggression, revisiting bitter memories, and the destruction of human relationships.

Keywords: Trauma, Personality, Anxiety, Nasser Yousefi, Yellow Apple Taste

How to Cite: Zabihnia Emran A., Analysis of the Novel " Yellow Apple Taste" by Nasser Yousefi from the Point of View of Trauma Criticism, Journal of Comparative Literature Studies, 2025;19(74):190-206.

بررسی رمان «طعم سیب زرد» از ناصر یوسفی از دیدگاه نقد ترومایی

آسیه ذبیح نیا عمران

چکیده

پژوهش حاضر رمان «طعم سیب زرد» از ناصر یوسفی (۱۳۴۶ ه.ش) را بر اساس تروما (روان-زخم) مورد واکاوی قرار می‌دهد. تروما تجربه یا حادثه‌ای است که فرد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند عواقب روانی، جسمی یا اجتماعی طولانی مدتی در زندگی شخص برجای بگذارد. این حادثه ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر فرد یا اطرافیانش تأثیر بگذارد و باعث ایجاد احساساتی مانند اضطراب، ترس، غم، یا احساس ناتوانی و غیره شود. رمان طعم سیب زرد یک اثر روانشناسانه است که به شخصیت سه همکلاسی در دوران نوجوانی می‌پردازد. شخصیت‌هایی که تحت تأثیر عوامل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی نامساعد و مهاجرت قرار گرفتند و آثار مخرب آن به شکل احساس ناامنی در زندگی آن‌ها پدیدار شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بازار کتابخانه‌ای می‌کوشد تا به این سوال اصلی پاسخ دهد که کدام یک از اقسام تروما در رمان طعم سیب زرد نمود بیشتری دارد؟ براساس دستاورد تحقیق، در رمان مذکور، ترومای فردی و اثرات ناشی از آن بنیان روابط انسان‌ها را دگرگون کرده و هویتی برای آن‌ها باقی نمی‌گذارد. پیامدهای عینی تروما در رمان طعم سیب زرد، در قالب اضطراب، بی‌عاطفگی، انزوا، اختلال در رفتار، مرور خاطرات تلخ و نابودی ارتباطات انسانی تجلی یافته است.

واژگان کلیدی: تروما، شخصیت، اضطراب، ناصر یوسفی، طعم سیب زرد

مقدمه و بیان مسئله

ادبیات تطبیقی، مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثاری است که برخاسته از زمینه‌های فرهنگی گوناگون باشد. «روش تطبیقی شناخت و تبیین مواضع خلاف و وفاق دیدگاه‌ها را روشن نموده و بصیرت نافذ و همه‌جانبه‌نگر به ارمغان می‌آورد» (فرامرز قراملکی، ۱۳۷۸: ۳). پژوهشگر ادبیات تطبیقی مانند کسی است که در سر حد قلمرو ملی به کمین می‌نشیند تا تمام داد و ستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند. «(صالح بک، ۱۳۸۷: ۱۲). براساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکا، هیچ مرزی برای ادبیات تطبیقی به رسمیت شناخته نمی‌شود. در واقع ادبیات به عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شود که مقایسه آن با هنرهای مختلف و علوم و معارف انسانی ممکن است. پژوهش‌های ادب تطبیقی در مکتب آمریکایی می‌تواند هر پژوهشی را که ادبیات را با سایر هنرها مقایسه می‌کند در برگیرد و یا هر رابطه‌ای که از ادبیات و سایر پژوهش‌های علوم انسانی بحث می‌کند، بررسی نماید. (کفافی، ۱۳۸۲: ۲۴). امروزه مطالعات بینارشته‌ای از اهمیت بسزایی برخوردارند و می‌توان بسیاری از مشکلات رفتاری و اخلاقی را با کمک تلفیق روانشناسی و ادبیات کاهش و یا کاملاً برطرف نمود. یکی از بهترین آثار ناصر یوسفی رمان «طعم سیب زرد» است که شخصیت روان‌رنجور سه نوجوان را به تصویر می‌کشد. این اثر بر نوجوانان و دغدغه‌های آنان متمرکز است. پرداختن به مسائل روحی و روانی که ریشه در دوران کودکی دارد، یکی از ضروریات عصر جامعه امروز است و ورود ادبیات در قالب داستان و رمان در زمینه روان درمانی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد؛ زیرا از کارکردهای آثار ادبی به‌ویژه رمان، روان‌درمانگری است. روان‌شناسان بسیاری به آثار ادبی روی آورده و شخصیت‌ها و کنش و واکنش‌هایشان را از این حیث قابل بررسی هستند. تروما (روان زخم) یکی از آسیب‌ها و مشکل‌های روانی است که مشمول هر گونه ضربه روحی می‌شود و اقسام اضطراب، تشویش، ناراحتی، استرس و ازدست رفتن احساس امنیت را در پی دارد و اثرات آن همه زندگی فرد را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. مقاله حاضر سعی دارد تا انواع عوامل تجربه‌های منتهی به تروما را در رمان طعم سیب زرد یوسفی بررسی و تحلیل کند.

سوال‌های تحقیق

شخصیت‌های رمان طعم سیب زرد درگیر چه ترومایی هستند و برای درمان ورهایی خویش از زخم‌های ترومایی چه می‌کنند؟

پیشینه تحقیق

برخی از آثار منتشر شده مرتبط با مبحث تروما-به ترتیب سال نشر- به شرح زیر است:

نژاد محمد و همکاران (۱۴۰۳) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تروما در اولیس از بغداد و همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها»، در مجله پژوهش‌های ادبیات تطبیقی چاپ کردند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هر دو رمان اجتماعی، تروما را به عنوان یک پدیده پیچیده و چندوجهی به تصویر می‌کشند که زندگی افراد را به روش‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر بازنمایی تروما در هر رمان منحصر به فرد است و زمینه فرهنگی و تاریخی آثار مربوطه را منعکس می‌کند.

مرادی (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «بررسی خاستگاه‌های اضطراب اجتماعی در شخصیت‌های نوجوان رمان «طعم سیب زرد» از ناصر یوسفی براساس نظریه داغ ننگ» در پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی چاپ کرد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که وجود یا توهم وجود داغ ننگ در زندگی نوجوانان می‌تواند زمینه‌های بروز مشکلاتی جدی همچون پنهان کاری، عدم صداقت، وسواس فکری، انواع اختلال‌های روانی و در نهایت اضطراب اجتماعی را فراهم آورد و یگانه راه کار غلبه بر این معضلات، مواجهه منطقی با موضوع و تلاش در راستای مدیریت آن در روابط اجتماعی است.

پورقرب (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «تروما و روایت درمانی در رمان خانه ارواح از ایزابل آلنده» در مجله نقد ادبی چاپ کرد. نتایج مقاله مذکور نشان می‌دهد که با مشخص شدن تروماهای اشخاص داستان از طریق گفت‌وگوها و کنش و واکنش‌هایشان و نیز گفتار دانای کل رنج‌های روانی و بهبود آن‌ها در قالب روایت و خاطره درمانی نشان داده می‌شود.

پورقرب، بهزاد و اسماعیلی (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «ترومای استعمارزدا: روایت در سه گانه «هما و کاوشیک» در خاک غریب جومپا لاهیری» در مجله روایت‌شناسی منتشر کردند. یافته‌های تحقیق مذکور نشان می‌دهد که لاهیری با استفاده از فلش‌بک‌های متعدد، تکرار وقایع و تنوع زاویه دید، نه تنها تروما را به عنوان یک رویداد غیر ناگهانی روایت می‌کند، بلکه تأثیر آن را در زندگی روزمره شخصیت‌های داستان را نشان می‌دهد.

رحیمی و احمدزاده هروی (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تروما در داستان «یک موضوع موقتی» از جومپا لاهیری». را در مجله نقد زبان و ادبیات خارجی منتشر کردند. این مقاله، به مبحث تروما از دید کتی کاروت در داستان «یک موضوع موقتی» می‌پردازد. زیرا مهم‌ترین بخش از نظرات کاروت این است که تروما یک حادثه است و وقتی شخصی دچار آن می‌شود، در زمان رخداد آن، آگاهی کاملی نسبت به آن نداشته و در نتیجه، تروما برای وی در آینده تکرار می‌گردد. در این داستان نیز تولد نوزاد مرده نقش تروما را دارد که تأثیر روانی بزرگی بر خانواده می‌گذارد که رهایی از آن بسیار دشوار خواهد بود.

مظاهری حبیبی و همکاران (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل میزان تأثیر سایکودرام بر ترومای دوران کودکی» در مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی چاپ کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تروما در دوران کودکی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رشد روانی و اجتماعی فرد داشته باشد و شناسایی و درمان آن در سنین پایین می‌تواند به بهبود نتایج در بزرگسالی منجر شود.

دهد که سایکودرام می تواند به عنوان یک روش موثر در کاهش عواقب ترومای دوران کودکی و ارتقای سلامت روانی افراد مبتلا به این نوع تروما عمل کند. بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهاد می شود که بررسی های بیشتری در زمینه تاثیر سایکودرام بر ترومای دوران کودکی انجام شود و این روش های غیردارویی به عنوان یک گزینه موثر در درمان ترومای دوران کودکی مورد بررسی قرار گیرد.

طایفی و صوابی اصفهانی (۱۴۰۱) مقاله ای با عنوان «بازنمایی ترومای ناشی از جنگ و پیامدهای آن در رمان دیوار» در مجله ادبیات پارسی معاصر چاپ کردند. براساس دستاور مقاله مذکور، مؤلفه های خشونت، ویرانی، فریاد، مرگ و دیسپیلین به ترتیب بیشترین نقش را در بروز تروما در شخصیت های دیوار داشته اند. پیامدهای عینی تروما در این داستان، در قالب شوک، اضطراب، سردی و بی عاطفگی، کرختی و انزوا، اختلال در رفتار کودکان، پرخاش، مرور خاطرات تلخ و نابودی ارتباطات انسانی نمود یافته است.

خسروآبادی و سپهران (۱۴۰۱) مقاله ای با عنوان «رنج در معرض نمایش؛ مطالعه ای بر رنج و تروما در نسبت با آثار ساموئل بکت»، در مجله مطالعات هنرهای زیبا منتشر کردند. این مقاله با نگاهی به آثار ساموئل بکت به دنبال راهی برای درک بهتر رنج سوژکتیو و در معرض نمایش است. در این راه، نسبت رنج در معرض نمایش به روش توصیفی-تحلیلی، با خوانش آثار بکت در بستر بینامتنیت ادبی (الهیات مسیحی و کمدی الهی) و نظریات اجتماعی بررسی می شود. بکت صورت بندی تصویر را برای انتقال تصویر قربانی به تماشاگران و خوانندگان تغییر می دهد. و این تغییر با بدن رنجور ناتوان از بیان، شرایط انسان ترومازده جدید را قابل درک می کند؛ درکی که هنرمند، واسطه آن است.

بقایی و پورگیو (۱۴۰۰) مقاله ای با عنوان «تروما در داستان پسا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: مطالعه موردی مندنی پور و مک یوئن»، در مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان منتشر کردند. براساس نتایج مقاله شخصیت های مندنی پور طیفی از شرق و غرب هستند، در صورتی که شخصیت های مک یوئن درحقیقت همگی سفید پوست و بریتانیایی اند. در این مقاله با استفاده از انگاره ترومای فرهنگی الکساندر مجموعه داستان آبی ماورای بحر اثر مندنی پور و شنبه اثر ایان مک یوئن بررسی شده تا چگونگی ارایه این دو نویسنده در باره حادثه و ترومای شخصیت ها بررسی شود.

حیدری زاده و همکاران (۱۳۹۴) مقاله ای با عنوان «زن در ادبیات از تروما (روان زخم) به خودشناسی رسیدن»، در مجله روان شناسی فرهنگ چاپ کردند. هدف پژوهش در این مقاله، روان زن و ادبیاتی است که توانسته آن را به تصویر بکشد. شخصیت های اتوود باور دارند که زندگی به معنی راحت زیستن نیست، بلکه باید با انگیزه زیستن و تغییر یافتن را سر لوحه کارهای خود قرار داد. باید قبول کرد که زندگی به معنی ماندن و یا رفتن نیست، بلکه به سادگی زیستن است.

مبانی نظری تحقیق

تروما

تروما^۱ رویدادی است که باعث ایجاد ترس، درماندگی، یا وحشت می‌شود. تروما یکی از مشکلات روانی آدمی بر اثر حادثه است و به هر گونه ضربه روحی گفته می‌شود که ناراحتی، استرس و ازدست رفتن احساس امنیت را در پی داشته باشد.

زیگموند فروید^۲ (۱۸۵۶-۱۹۳۹ م.) بنیانگذار روانکاوی، جزو اولین کسانی است که به تفسیر تروما می‌پردازد. وی در کتاب فراسوی لذت به تفصیل به بحث تروما و لذت درد اشاره می‌کند. از دید وی درد ترما در مقایسه با درد فیزیکی نه تنها بیشتر است، بلکه این درد التیام پذیر نیست و با یک تلنگری دوباره زنده می‌شود. (Freud, 1910: 181-218)

واژه تروما ریشه یونانی دارد و به معنای زخم یا جراحت است. در دانش پزشکی به هر نوع ضربه، جراحت، شوک، آسیب و حادثه وارد شده بر بدن گفته می‌شود، مشروط به اینکه از خارج به بدن وارد شده باشد و عامل درونی، علت ایجاد آسیب نباشد. مؤسسه روانشناسی آمریکا، تروما را چنین تعریف می‌کند: «جواب احساسی به یک حمله فجیع، مانند یک تصادف، تجاوز یا فاجعه طبیعی که بیدرنگ شوک و ناباوری پساحمله را به دنبال دارد. واکنش‌های درازمدت شامل؛ احساسات غیرقابل پیشبینی، فلاش بک، روابط دچار مشکل شده و حتی علائم فیزیکی مانند سردرد و تهوع است.» (بقایی و پورگیو، ۱۴۰۰: ۲۵). همچنین تروما به معنای آسیب یا ضربه‌ای است که به فرد وارد می‌شود و بر وضعیت روانی و جسمی او تأثیر می‌گذارد. این آسیب‌ها می‌توانند ناشی از حوادث فیزیکی مانند تصادفات، ضربات، یا جنگ باشند، یا می‌توانند روانی و ناشی از تجربیات منفی شدید مانند خشونت‌های خانگی، تجاوز جنسی، یا مرگ نزدیکان باشند. این تجارب ممکن است باعث ایجاد مشکلات روانی مانند اختلال استرس پس از سانحه، اضطراب و افسردگی شوند. در واقع، تروما جای زخم روانی^۳ است که به راحتی بهبود نمی‌یابد و یک واکنش هیجانی به یک رویداد وحشتناک مانند یک تصادف، جنایت، بلایای طبیعی، آزار جسمی یا عاطفی، غفلت، تجربه خشونت یا شاهد خشونت، مرگ یکی از عزیزان، جنگ و از این قبیل اتفاقات است. فرد بلافاصله بعد از رویداد ممکن است دچار شوک شود و واقعیت را انکار کند. در طولانی مدت فرد ممکن است واکنش‌هایی از قبیل احساسات غیرقابل پیش‌بینی، بازگشت به گذشته (فلش بک زدن به رویداد دردناک)، روابط متشنج و حتی علائم فیزیکی مانند سردرد یا حالت تهوع را از خود بروز دهد. مهم‌ترین تروما، تصور فرد از یک رویداد به عنوان عاملی تهدیدکننده برای

1 Trauma

2 Sigmund Freud

3 psychic scars

خود یا دیگران است. رویدادی که منجر به تروما برای یک فرد می شود ممکن است توسط فرد دیگری به عنوان آسیب زا تجربه نشود. در ادبیات، یک تجربه ناخوشایند و ناراحت کننده که برای مدت طولانی شخص را تحت تأثیر قرار می دهد. در روان شناسی، یک حالت روانی شوک شدید ناشی از یک ضربه روانی بسیار ترسناک یا ناخوشایند که منتهی به اختلال اضطراب پس از سانحه می شود

رمان طعم سیب زرد از ناصر یوسفی

ناصر یوسفی نویسنده کتاب های کودکان و نوجوانان است. «او از نوجوانی در محافل ادبی حضور داشته و مجموعه کتاب هایی که از او چاپ شده از مرز دو میلیون نسخه گذشته است.» (جدیدی، ۱۳۹۰: ۳) «فضای قصه های یوسفی بسیار گرم و لطیف است، آگاهانه از خشونت دوری می کند و سعی دارد در قصه هایش تصویر مثبتی از روز و روزگار به کودکان نشان دهد، گویی تصمیم گرفته است کودکان را در برابر ناامیدی و تهدید بزرگ ترها حفظ کند و پناهی برای آن ها باشد. استقبال کودکان از قصه های او نشان می دهد که کودکان جامعه ما به محیطی امن نیاز دارند. او در سال های گذشته که اتفاق های تهدید کننده بسیاری برای کودکان رخ داده، کوشیده است به آن ها نشان دهد در میان این ناامنی ها می توان به دنیا و فردایی بهتر اعتماد کرد. قصه های یوسفی سرشار از حس اعتماد به زندگی، انسان ها و امروز و فرداست.» (همان: ۵) از یوسفی آثار بسیاری در مجله ها و انتشارات مختلف در داخل و خارج از کشور به چاپ رسید. یکی از آثار پرفروش او رمان «طعم سیب زرد» است که برای اولین بار در سال ۱۳۹۷ توسط نشر پیدایش منتشر شد. رمان طعم سیب زرد از سوی شورای کتاب کودک، هجدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، سی و هشتمین جایزه کتاب سال ایران و جایزه ادبی حبیب غنی پور مورد توجه و تقدیر واقع شد.

خلاصه داستان طعم سیب زرد به شرح زیر است:

«طعم سیب زرد» داستان پسری به نام سیناست که با مشکلات بسیاری از جمله عدم اعتماد به نفس، استرس و اضطراب، وسواس و شب ادراری دست و پنجه نرم می کند. سینا با مادرش زندگی می کند و پدرش در کودکی آن ها را رها کرده است و به همین دلیل احساس حقارت و بی ارزشی می کند. سینا در روند داستان سعی می کند با نثار، همکلاسی و پسر سرایدار مدرسه اش که افغانی تبار است دوست شود، ولی نگران است دوستانش را از دست بدهد. نثار، نوجوان افغانی، سعی می کند از همکلاسی های خود فاصله بگیرد و در ابتدا رغبتی به دوستی با سینا نشان نمی دهد و تصورش بر این است که او هم مانند بقیه قصد تحقیر او را دارد. او با اینکه در ایران به دنیا آمد، علاقه خاصی به وطن خود، افغانستان، دارد. ماهان، همکلاسی و دوست صمیمی سینا، در خانواده ای رشد یافته است که والدینش اهمیت برای ارزش های انسانی قائل نمی شوند. او فردی سلطه طلب در داستان است و با افکار و باورهای غلط و غیرمنطقی، پیامدهای جبران ناپذیری را رقم می زند. ماهان حس خوبی به

افغانی‌ها ندارد و خود را برتر از نثار می‌داند و آشکارا به او خصومت می‌ورزد. در روال داستان، سینا به دوستی با نثار مشتاق شده و در تلاش است که این دوستی را عیان کند، ولی از ترس طرد شدن از اطرافیانش، هر بار از این تصمیم منصرف می‌شود. در پایان، دوستی پنهانی با نثار حال او را بهتر می‌کند و بسیاری از مشکلات روحی و روانی او را تسکین می‌دهد. او سرانجام تصمیم می‌گیرد به این ترس پایان دهد و دوستیش را آشکار نماید. (یوسفی، ۱۳۹۷: تلخیص از کل متن).

بحث و بررسی

انواع ترومای فردی در رمان طعم سیب زرد

منظور از ترومای فردی «ضربه‌ای است که به روان وارد می‌شود و ناگهان سپر دفاعی فرد را با چنان شدت و حدتی می‌شکند که فرد نمی‌تواند واکنش مؤثری به آن نشان دهد.» (Alexander, 2004: 9) جفری الکساندر^۱ در کتاب «تروما، یک نظریه اجتماعی» باور دارد که «ترومای فرهنگی یک مفهوم علمی-تجربی است که روابط علی معناداری میان حوادث، ساختارها، دریافت و کنش‌هایی را که پیشتر مرتبط نبودند، مطرح می‌کند. وی ادامه می‌دهد که با تشخیص دلیل تروما و به عهده گرفتن مسئولیت، با نشان دادن و هماوایی، در رنج دیگران شریک می‌شویم. با پرسش اینکه آیین رنج دیگران هم، رنج ماست؟ الکساندر باور دارد که بسیاری از جوامع حاضر به پذیرفتن ترومای دیگران نیستند و مسئولیت را برشانه دیگران می‌گذارند و در نتیجه به وضعیت اخلاقی نمی‌رسند. (همان: ۶) تروما، که خود پیامد خشونت است، پیامدهایی را در پی دارد. رویدادهای آسیب‌زاد نه تنها برساختارهای روانی فرد، بلکه در روابط و مفاهیمی تاثیر می‌گذارند که موجب پیوستگی فرد و اجتماع می‌شود. (Herman, 1992: 37) برخی از اثرات ترومایی در رمان طعم سیب زرد عبارت است از:

مهاجرت

لاکهرست^۲، اختلال روانی ناشی از «مهاجرت» را در زمره تروما میداند. (Luckhurst, 2008, p. 15) مهاجرت، بخصوص اگر امری ناخواسته باشد، می‌تواند آسیبی تروماتیک در پی داشته باشد که گاه موجب احساس افسردگی، پوچی، تنهایی و نابسامانی خواهد شد. فردی که مهاجرت را تجربه می‌کند با دنیایی جدید مواجه است که در آن اصول و مرزبندی‌های بسیاری دستخوش تغییر خواهند بود. در رمان طعم سیب زرد، نثار از خانواده‌ای افغانی متولد ایران است، اما افغانی، افغانی است، اگر صدسال در ایران باشد. به قول یوسفی: «صدسال هم که اینجا باشد و صدمبار هم در اینجا به دنیا بیاید، باز هم افغانی است» (یوسفی، ۱۳۹۷: ۲۴). او در مدرسه‌ای درس می‌خواند که پدرش سرایدار

1 Jeffrey Alexander

2 Luckhurst, R.

آنجاست. نثار باهوش و درس خوان است و همیشه بارِ حقارت افغانستانی بودنش را به دوش می‌کشد. «او تنها بازی می‌کند، تنها روی نیمکت می‌نشیند، تنها از حیاط پشتی مدرسه می‌آید و برمی‌گردد. تقریباً تمام همکلاسی‌هایش به شکل‌های مختلف از او کناره می‌گیرند. او مهاجری است که تقریباً کسی به او نزدیک نمی‌شود و به سرزمینی تعلق دارد که نام آن سرزمین در گفتار روزانه خیلی‌ها فحش محسوب می‌شود.» (همان: ۱۷) عوامل مذکور عامل و منبع اصلی اضطراب را در نثار بوجود می‌آورند و باعث می‌شوند همیشه با حفظ فاصله از دیگران، رابطه‌ای با آن‌ها برقرار نکند. نثار هرگز افغانستان ندیده «من تا به حال افغانستان را ندیده‌ام. سی سال پیش، پدرم ۱۰ ساله بود که با خانواده‌اش از کوه‌های افغانستان به ایران آمدند. مادرم هم بیشتر از ۵ سال نداشت» (همان: ۱۶). و دوسالی است که دانش-آموز مدرسه است، هیچ دوستی ندارد و تنها روی نیمکت کلاس می‌نشیند. «همکلاسی‌هایش به او اهمیتی نمی‌دهند و پذیرفته‌اند که او فقط باشد و گوشه‌ای بنشیند و درسش را بخواند. آن‌ها از خانواده-هایی هستند که بیشتر سرایدارهایشان مهاجران افغان هستند. نهایت لطف‌شان این است که نسبت به خانواده‌هایشان بی‌تفاوت نباشند و آن‌ها را اذیت نکنند و آخر شب یا آخر مهمانی‌هایشان برای آن‌ها بشقاب غذایی ببرند و این اوج همزیستی‌شان است.» (یوسفی: ۱۳۹۷: ۱۸) این افکار حس ترس و تحقیری که بر زندگی او و هم‌وطنانش سایه انداخته، او را بالاجبار محکوم به تنهایی و فاصله از دیگران می‌کند. حتی برای فرار از تمسخر اطرافیانش لهجه و گویش خود را پنهان می‌کند. او سعی می‌کند با ایجاد فاصله عاطفی بین خودش و دیگران، نیازهای روان‌رنجورش را برطرف سازد و با محدود کردن زندگیش از نگاه‌های نفرت‌انگیز و تحقیر آمیز فرار کند و به این صورت کمتر آسیب ببیند.

ترس و وا همه و اضطراب

افراد مبتلا به تروما احساس می‌کنند که «رها شده، مطرود و تنها هستند و از نظام‌های مراقبتی و حمایتی بشری کنار گذاشته شده‌اند. این حسن انزوا و عدم پیوستگی بر همه روابط آنها تأثیر می‌گذارد، از روابط صمیمی گرفته تا روابط اجتماعی» (موسوی نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۴). یکی از مسائل مهم در رمان طعم سیب زرد وجود نوعی ترس فراگیر در شخصیت‌هاست. شخصیت‌هایی که هر کدام تجربه‌های وحشتناکی را از سر گذرانده‌اند و این وقایع چنان بر روح و جان آنان اثر گذاشته است که رهایی از آن برایشان به آسانی میسر نیست. چنین تجربه‌های دردناکی را در علوم روانشناختی تحت عنوان تروما طبقه بندی می‌کنند؛ یعنی حوادثی که به صورت ناگهانی روی می‌دهند و تأثیر فراوانی بر شخص تجربه کننده می‌گذارند.

برخی افراد مبتلا به تروما تا پایان عمر از آن رهایی نمی‌یابند و برخی دیگر به دشواری و به روش‌هایی همچون هیپنوتیزم به صورت موقت یا دائم بهبود می‌یابند. شخصیت سینا، در رمان طعم سیب زرد همیشه مضطرب و نگران است، وی اسراری دارد که از دید دیگران پنهان است و به جز مادر هیچ‌کدام از

دوستان، هم‌کلاسی‌ها و اطرافیان از وجود این ضعف‌ها در شخصیت سینا اطلاعی ندارند. موضوعی که می‌توان گفت اصلی‌ترین عامل آسیب‌پذیری روان این نوجوان است؛ چراکه ترسی همیشگی و دائمی را در درون او ایجاد کرده است. «سینا فکر کرد که فقط از ماهان نمی‌ترسد. از همه بچه‌های کلاس می‌ترسد. از اینکه بفهمند او با نثار بیرون می‌رود می‌ترسید. از اینکه نثار بفهمد پدرش آنها را رها کرده می‌ترسید. از همه معلم‌هایش می‌ترسید... از مادرش و از تمام زمین و زمان می‌ترسید» (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). ترس عمیق سینا به حدی است که حتی او را از رفتن به مطب روان‌شناس باز می‌دارد. «رفتن به مطب دکتر صبا را دوست نداشت. مخصوصاً وقتی که قرار بود زمان بیشتری در اتاق انتظار بماند. فکر می‌کرد هرکسی که به مطب می‌آمد و می‌رفت از مشکل او خبر داشت» (همان: ۲۵). اضطراب و ترس فراوان سینا موجب شده تا از همان کودکی یاد بگیرد که همه چیز را پنهان کند. ترس سینا از رهاشدن توسط مادر و سایر اطرافیان، باعث شده است تا او همواره دغدغه جلب رضایت آنان را داشته باشد «او در پنهان‌شدن استاد بود. همان قدر که می‌توانست بخش‌های زندگی‌اش را پنهان کند، حالا یاد گرفته بود تا جسمش را هم پنهان کند. هزاران جا برای پنهان‌شدن کشف کرده بود» (همان: ۱۳۳). سینا اعتماد به نفس ندارد و درباره همه چیز در زندگیش دروغ می‌گوید حتی اسمش. او سعی می‌کند در مقابل حس تحقیر و عدم اعتماد به نفس از خود دفاع کند و از طریق کسب محبت و راضی نگه داشتن دیگران، اضطراب درونش را کاهش دهد. به شکل وسواس‌گونه‌ای تمیز است و همیشه مراقب است لباس‌هایش کثیف نشود، کسی را ناراحت نکند، مخصوصاً مادرش، مربیان، دوستانش و برای این مقصود، تلاش می‌کند همه را راضی نگه دارد. به دروغ متوسل شود و خودش نباشد. حتی می‌ترسد مادرش روزی او را رها کند و چاره‌ای جز خوب بودن برای خودش باقی نمی‌گذارد، حتی به دروغ. همیشه در درس و مدرسه دانش‌آموز برتر است. مشق‌هایش بدون غلط و جا افتادگی، اتاقش همیشه مرتب و ظاهرش همیشه آراسته است و به دلیل همین اضطراب تمیزی و وسواس دچار شب-ادرازی می‌شود. او به دلیل ترس از دست دادن ماهان حتی نمی‌تواند با او صادق باشد و از دردها و مشکلاتش سخن بگوید. سینا نیازمند این است که دوست داشته شود، خواسته شود، مورد علاقه و محبوب باشد. احساس کند مورد قبول، پذیرفته، مورد تایید و تحسین است.

خواب‌ها و کابوس‌ها

یکی از مسائل مهم مربوط به تروما، کابوس‌ها یا خواب‌های مربوط به رویدادهای ترومایی هستند که بارها تکرار خواهند شد. در واقع، «نظریه اجبار به تکرار به عنوان رویارویی غیرمنتظره با رخدادی که ذهن نتوانسته به آن بپردازد، نشان دهنده آن است که فرد در تلاش برای بازگشت به تجربه‌ای است که هرگز درک نکرده» (Caruth, 1995: 128) به بیان ساده‌تر، ناخودآگاه فرد وی را وادار می‌کند که دوباره

به تجربه ترومایی دست بزند و در موقعیتی قرار گیرد که همان رویداد یا مشابه آن مجدداً تکرار شود تا این بار با درک مستقیم آن بتواند به نوعی مسئله تروما را برای خود حل و فصل کند.

در رمان طعم سیب زرد، سینا خواب گم‌شدن می‌بیند: «از زمانی که به یاد داشت کابوس گم‌شدن داشت. همیشه خودش را در جای شلوغی می‌دید. درست مانند وسط حجره‌های بازار، پارک ملت در عصر جمعه تابستان، درکه توی سیزده‌به‌در، ترمینال آزادی و ... خودش را در این شلوغی‌ها می‌دید. انبوهی از آدم‌ها دوروبرش بودند. اما تمام آن‌ها بی‌چهره بودند. حتی نقاب هم نداشتند» (یوسفی، ۱۳۹۷: ۲۷). سینا در کابوس‌هایش انبوهی از آدم‌ها را می‌بیند که بی‌چهره‌اند. به خیال‌پردازی روی می‌آورد و برای آن‌ها چشم و دهان و بینی می‌گذارد. اضطراب‌هایش آن قدر زیاد هستند که نمی‌تواند با وجود استفاده از قرص‌های گوناگون از شر شب‌اداری‌هایش خلاص شود.

فروید باور داشت که وقایع آسیب‌زا تعارضاتی را در «خود» ایجاد می‌کنند که اگرچه سرکوب می‌شوند، انسجام «خود» را از بین می‌برند و دوباره در رؤیا تکرار می‌شوند. به این ترتیب، تعارضات ناشی از تروما سبب بروز روان‌رنجوری آسیب‌زا می‌شود. (Freud, 1912: 3) سینا نقاب‌های بسیاری در برخورد با مردم دارد. موضوعی که حتی در کابوس‌هایش تکرار می‌شود: «روی صورتش نقاب بود. ناگهان نقاب افتاد... دوباره به صورتش دست زد. نقاب دیگری افتاد. اما باز هم چهره خودش نبود... ده‌ها نقاب و سپس صدها نقاب... او ترسناک‌تر از آدم‌های بی‌چهره بود» (یوسفی، ۱۳۹۷: ۵۵). یکی دیگر از کابوس‌های سینا شب‌اداری است. مادر ماهان دوست نزدیک مادر سیناست و همین مسئله ماهان را بر آن می‌دارد که بارها به او پیشنهاد مسافرت خانوادگی یا اقامت شبانه در منزل همدیگر را بدهد. اما سینا که می‌داند در خواب کنترلی بر اداراش ندارد، به بهانه‌های مختلف پیشنهادهایی او را رد می‌کند تا آنجا که یک‌بار به او می‌گوید: «قصه سیندرلا را شنیدی؟ من هم مثل سیندرلا ساعت ۱۲ شب تغییر می‌کنم و یک چیز دیگری می‌شوم» (همان: ۱۳).

ترومای پیچیده‌ایام کودکی

ترومای پیچیده، نوعی از آسیب روانی است که ناشی از تجربیات مکرر و طولانی‌مدت آسیب‌زا، به ویژه در دوران کودکی، ایجاد می‌شود. این نوع تروما می‌تواند تأثیرات عمیق و ماندگاری بر سلامت روان فرد داشته باشد و منجر به علائمی چون اضطراب، افسردگی، اختلال هویت و مشکلات دلبستگی شود. افرادی که با ترومای پیچیده زندگی می‌کنند، معمولاً احساس می‌کنند که در یک چرخه معیوب گرفتار شده‌اند و نمی‌توانند از این وضعیت رهایی یابند. این مفهوم برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دکتر جودیت لوئیس هرمان (۱) معرفی شد. ترومای پیچیده می‌تواند به تحریف حس خود، دشواری در کنترل احساسات و چالش‌های جدی در روابط بین فردی منجر شود. این نوع تروما به طور خاص می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روی سیستم عصبی داشته باشد و فرد را در حالت‌های هیجانی و جسمانی

ناپایدار نگه دارد. در نتیجه، افرادی که با ترومای پیچیده مواجه هستند، ممکن است در زندگی روزمره خود با مشکلات جدی روبرو شوند. ترومای دوران کودکی از جمله مسائلی است که می‌تواند تأثیر عمیقی بر روان و روان‌شناختی افراد داشته باشد. ترومای دوران کودکی می‌تواند منجر به مشکلات روانی و اجتماعی جدی در زندگی بزرگسالان شود. رخدادهای ترومایی «انسان را در نهایت بیچارگی و ترس قرار داده و به واکنش‌های فاجعه‌آمیز منجر می‌شوند.» (Herman, 2015: 33)

در رمان طعم سیب زرد، ماهان در خانواده‌ای مرفه بزرگ شده به طوری که هر چه اراده کرده، در اختیارش گذاشته‌اند. او با نفس سرکشش، دیگران را در معرض قضاوت قرار می‌دهد، چون معتقد است که با قلدری و زورگویی می‌تواند به اهداف خود برسد و نظر مثبت جامعه را به خود جلب کند. این حمایت افراطی از سوی خانواده از او شخصیتی انتقاداتناپذیر، زورگو و سلطه‌جو ساخته است، به طوری که به خود اجازه می‌دهد بنا به میل خود با دیگران رفتار کند. در جریان ضرب و شتم ماهان و نثار، پدر و مادرش تنها راه حل برای برون رفت از آن ماجرا را خرید گوشی همراه برای نثار می‌دانند و اصلاً به جنبه اخلاقی و انسانی آن توجهی ندارند. ماهان در این فضا تربیت شده و متأثر از آن رفتار می‌کند و سرانجام رفتار نادرستش با نثار مشکلاتی برای او بوجود می‌آورد. در رمان طعم سیب زرد، ماهان، افغانی‌ها را کوچک و دزد می‌پندارد و رفتار ناپسندی با نثار دارد. او به چشم خدمتکار به نثار و هموطنانش می‌نگرد و بر این تلاش است با رفتار و تفکرات غیرمنطقی به او آسیب برساند. ماهان بر این باور است که نثار نباید در آن مدرسه کنار آن‌ها درس بخواند یا دوستی داشته باشد. سینا دوست ماهان حتی از بردن نام نثار در نزد وی هراس دارد. وقتی سینا تنها نام نثار را بر زبان جاری می‌کند، ماهان «بلند شد و گفت: من که حوصله‌اش را ندارم. هیچ خوشم هم نمی‌آید که درباره او حرف می‌زنی» (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۳). در دوست داشتن و محبت ماهان هم رگه‌های از غرور دیده می‌شود، چنانچه که اسم دختر مورد علاقه‌اش را به درستی بکار نمی‌برد. نیاز به بهره‌کشی و سلطه‌گری، ماهان را به آدمی بدل ساخته که سعی می‌کند با حقیر شمردن و منفور کردن دیگران خشم خود را مهار کند.

والدین و تروما

یکی از پیامدهای ترومایی نقش مادر با فرزند است که منشاء واهمه با ترومای زندگی‌شان مربوط می‌شود. مادر بچه از دیدگاه ترومایی می‌تواند این حس ترس و افسردگی را تشدید کند. «درباره اثرات ترومایی باید گفت که یکی از عوارض حوادث ترومایی «تداوم محدودیت‌های شناختی به اشکال مختلفی از افسردگی، کندذهنی یا ناتوانایی عملکردی به عنوان والدین است.» (Krysal, Henry, 1995: 81) در رمان طعم سیب زرد، مادر سینا در باره پدر سینا پنهان کاری می‌کند. اما سرانجام مادر پنهان کاری را کنار می‌گذارد و حقیقت ماجرای پدرش را بر زبان می‌آورد، سینا آگاه می‌شود که پدر او از آغاز دلبسته زنی دیگر بود و علیرغم میل باطنی و شاید برای آنکه «بتواند آن زن را فراموش کند»

(یوسفی، ۱۳۹۷: ۷۴)، یا اینکه «از يك حس عمیق فرار کند، یا پشت يك ماجرای دیگر پنهان شود» (همان: ۷۵)، حاضر به ازدواج با مادر شد. مادر نیز از همان ابتدا می‌دانسته که همسرش او را دوست ندارد؛ اما از آنجاکه دلش می‌خواست کسی دوستش داشته باشد و «خانه‌ای گرم و یاری مهربان» (همان: ۱۴۴) داشته باشد، به خود دروغ می‌گوید و حتی بعد از رفتن همسرش نمی‌خواهد دست از این «دروغ شیرین» (همان) بردارد و از گفتن حقیقت به فرزندش امتناع می‌ورزد. اصلی‌ترین مشکل سینا موضوع پدر است. پدری که در همان دوران کودکی، سینا و مادرش را برای همیشه رها می‌کند. پنهان‌کاری‌های مادر و اطرافیان و عدم تشریح دلایل حقیقی این موضوع، مسئله رفتن پدر را در ذهن سینا تبدیل به معضلی بزرگ و غیرقابل هضم می‌کند و نتیجه طبیعی این موضوع ایجاد احساس گناه در وجود اوست. سینا «کوچک‌تر که بود فکر می‌کرد پدرش به خاطر او خانه را ترک کرد و رفت. شاید از اینکه خودش را خیس می‌کرد، از اینکه گریه می‌کرد، از اینکه آب دماغش همیشه پایین بود، از اینکه احتمالاً پسر خوبی نبود...» (همان: ۳۵). سینا خودش را در موضوع رفتن پدر، گناهکار و مقصر می‌داند: «سال‌های سال با توالت رفتن مشکل داشت. فکر می‌کرد پسر بدی است که به توالت می‌رود. فکر می‌کرد پسر بدی است که بیمار می‌شود و پسر بدی است که غذایش را روی لباسش می‌ریزد. شاید به خاطر همه اینها بود که پدرش او را رها کرد و رفت» (همان: ۴۲). پدر سینا، به خاطر علاقه به زنی دیگر، او و مادرش را برای همیشه ترک گفته است؛ آن هم در دوران کودکی سینا. به همین دلیل این شخصیت تصویر خاصی از پدر در ذهن ندارد. او که هرگز «جرات نکرده بود از مادر بپرسد چرا تنها شدند» (همان: ۳۵) تنها «از درد دل‌هایی که مادر اینجا و آنجا می‌کرد و یا از اطلاعاتی که گاهی مادر در ثبت احوال و تأمین اجتماعی و یا موقع ثبت‌نام سینا در این مدرسه و آن مدرسه می‌داد» (همان: ۴۲)، اطلاعاتی را کنار هم گذاشته و به تصویری ناکامل از پدر رسید. از همین رو هرزمان که مجبور می‌شود در مورد پدر سخن بگوید، حرف‌هایی پراکنده و اغلب متناقض بر زبان می‌آورد «به گروهی گفته بود که پدرش مرده. به گروهی هم گفته بود که مادرش طلاق گرفته» (همان: ۳۴)، سیاسی می‌گوید: «هر چیزی که امنیت کودک را در روابطی که با پدر و مادر دارد، مختل کند سبب دلواپسی او می‌شود. کودکی که دلواپس است از اینکه مبدا تنهائیش بگذارند یا از حمایت و محبت محروم‌ش بدارند به لطایف الحیل متوسل می‌شود.» (سیاسی، ۱۳۹۰: ۹۸) سینا تمام آن سال‌ها با شرم بزرگ شده و با خجالت به زندگی‌اش ادامه داده است. آن قدر حس بی‌ارزشی در او پررنگ است که حتی جرات نمی‌کند از مادرش بپرسد چرا پدر آن‌ها را ترک کرده است و خود را در این امر مقصر می‌داند. او به دلیل عدم داشتن محبت پدر، در دنیایی پر از ترس و تحقیر زندگی می‌کند و اضطراب خود را با دروغ و پنهان‌کاری تسکین می‌دهد.

درمان تروما و باز یابی شخصیت در رمان طعم سیب زرد

از دیدگاه هرمن، فردی که تجربه ترومایی داشته است برای درمان باید به باز یابی خود بپردازد که مهم ترین آن پذیرش واقعیت است. نجات یافته های از تروما نیاز دارند تا به طور همزمان هم به انکار واقعیت «گفته هرمان»، «خشونتگی که رخ داده، بپردازند، هم آن را به خاطر آورده و درباره آن صحبت کنند» (Humphreysa & Josephb, 2004 : 530) در رمان طعم سیب زرد، سینا به دلیل ترس از دست دادن ماهان و تمسخر همکلاسی هایش، دوستی خود را با نثار از همه پنهان می کند. ولی در تصورش خود را فردی شجاع می بیند که این موضوع را به ماهان می گوید و از رفاقت با نثار ابایی ندارد، ولی در واقعیت هنگامی که با نثار روبرو می شود، حتی نمی تواند به او نگاه کند.

نثار در محیطی تحقیر آمیز بزرگ شده که جایگاه اجتماعی خود را ضعیف می بیند و به همین دلیل تلاش می کند برای فرار از تحقیر، تصویر آرمانی برای خود خلق کند که او را به سوی خردمند بودن، خودبسنده بودن و استقلال سوق دهد. از این رو به لهجه تهرانی حرف می زند و لهجه مادری خود را پنهان می کند. وی با هیچ کس ارتباطی ندارد و خود را بی نیاز از دوستی با هم کلاسی هایش می داند و به تنهایی عادت کرده است. حتی در ابتدا رغبتی به دوستی با سینا نشان نمی دهد و هنگامی که سینا از ترس از دست دادن دوستانش در کلاس با او حرف نمی زند، خود را مستقل از دوستی او نشان داده و واکنشی نشان نمی دهد. «افراد منزوی نیاز شدیدی به قوی دیده شدن و قدرتمند بودن دارند و این احساس های بنیادی انزوا را فقط با این عقده خود فریب می توان تحمل کرد که آن ها عالی و عاری از انتقاد هستند.» (یوسفی، ۱۳۹۷: ۲۰۴) نگاه منفی بچه های مدرسه در خصوص افغان ها آنقدر ادامه دار بوده است که نثار نیز یاد گرفته چگونه با این مسئله کنار بیاید. او ناگزیر آموخته است که با کسی حرف نزنند، از کسی انتظار دوستی نداشته باشد، در کلاس تنها بنشینند و در اوقات بازی نیز به تنهایی در گوشه ای مشغول توپ بازی باشد. «نثار همچنان به تنهایی مشغول شوت کردن توپ به دیواری بود که توپ را به او برمی گرداند. سینا این حس را می شناخت. می دانست که این کار خبر از تنهایی می دهد» (همان: ۲۳). نگاه های منفی دیگران به نثار و خانواده اش، حتی سینا را هم تحت تأثیر قرار داده است. گرچه سینا با دیگران متفاوت است اما «نمی دانست چرا این همه مدت خودش را از فعالیت مادر دور نگه داشته؛ می دانست کارش خوب است، اما نمی دانست چرا افغان ها را دوست ندارد، نثار را دوست ندارد، مدرسه های مهاجران افغان را دوست ندارد و از هر لباس و دارویی که مادر برای آنها می خرید بدش می آید. به راستی نمی دانست چرا؟» (همان: ۲۳-۲۲). این دید منفی در ادامه روایت اصلاح می شود و سینا روابط دوستانه ای با نثار برقرار می کند.

نتیجه‌گیری

در رمان طعم سیب زرد، شخصیت‌های داستان تحت تاثیر شرایط نامساعد خانوادگی و عوامل محیطی نامطلوب به ترومای اضطراب‌های روان‌رنجور مبتلا هستند. سینا شخصیت اصلی داستان به دلیل نداشتن مهر و محبت پدر، خود را بی‌پناه می‌بیند و سعی می‌کند برای از بین بردن اضطراب‌های ناشی از کمبود محبت به حمایت و پشتیبانی دیگران پناه ببرد. از اینرو سخت می‌کوشد مورد محبت مادر، ماهان و معلمانش قرا بگیرد و همه او را دوست بدارند. برای رسیدن به این منظور تسلیم خواسته‌های ماهان می‌شود و دوستی خود را با نثار پنهان می‌کند. وی هر اندازه از خود واقعی‌اش فاصله می‌گیرد، بیشتر دچار استرس و اضطراب می‌شود. نثار، از بی‌عدالتی جامعه در مورد افغان‌ها که سرچشمه تمام ناراحتی‌ها و سرکوب آرزوهایش می‌باشد، رنج می‌برد و همین امر باعث محدود شدن زندگی او در مدرسه به همراه چشیدن طعم تلخ تحقیر شده است. وی از معاشرت با دیگران پرهیز می‌کند. بنابراین گوشه‌گیری و انزوا را برمی‌گزیند. ماهان در داستان به دلیل توجه بیش از حد و اندازه‌ی خانواده‌اش، دچار نوعی غرور کاذب گردیده و به ندرت اشتباهات خود را می‌پذیرد و گاه با تحقیر و توهین به اهداف خود می‌رسد. در مجموع، روایت کردن تروماهای شخصیت‌های داستان طعم سیب زرد، سرانجام به رهایی آن‌ها از درد و رنج منجر می‌شود. در داستان طعم سیب زرد، شخصیت نوجوان رمانی‌عنی سینا، تروما، رنج‌ها و مشکلات روحی خود را بیان می‌کند و از شناخت خود نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سخن می‌گوید به این دلیل که بتواند خواننده‌ای را بیابد که به حرف وی گوش کند و با روایت کردن داستان درد و ترومای خود را کم کند و هم اینکه به خوانندگان خود درسی بدهد که به شناخت و بصیرت برسند. وی (سینا) زمان گذشته، حال و آینده را به هم ربط می‌دهد. بدین معنی که در زمان حال می‌توان از گذشته خود و خطاهای خود درس عبرت گرفت.

پی‌نوشت

۱) جودیت لوئیس هرمان^۱ (تولد ۱۹۲۴ م.) روانپزشک و نویسنده آمریکایی است که بر درک و درمان استرس آسیب‌زا تمرکز کرده است. هرمان استاد روانپزشکی در دانشکده پزشکی هاروارد، مدیر آموزش برنامه قربانیان خشونت در گروه روانپزشکی در اتحاد سلامت کمبریج، ماساچوست و یکی از اعضای بنیانگذار مجموعه سلامت روان زنان است. کتاب وی به نام «گروه درمانی تراما در مراحل نخستین درمان» با ترجمه مهناز مرادی توسط انتشارات فرزانه روز در سال ۱۴۰۲ منتشر شد.

منابع

- بقایی، احسان، پورگیو، فریده (۱۴۰۰) «تروما در داستان پسا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: مطالعه موردی مندنی پور و مک یوئن»، **پژوهش ادبیات معاصر جهان**، شماره ۸۴، بهار و تابستان. صص ۲۲-۳۸.
- پورقریب، بهزاد (۱۴۰۲) «تروما و روایت درمانی در رمان خانه ارواح از ایزابل آلنده». **مجله نقد ادبی**. شماره ۶۴. صص ۳۳-۶۳.
- پورقریب، بهزاد، اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۲) «ترومای استعمارزدا: روایت در سه گانه «هما و کاوشیک» در خاک غریب جومپا لاهیری». **روایت شناسی**، شماره ۱۴، پاییز و زمستان. صص ۱۶۱-۱۹۲.
- حیدری زاده، نگین و همکاران (۱۳۹۴) «زن در ادبیات از تروما (روان زخم) به خودشناسی رسیدن»، **مجله روان شناسی فرهنگ**، شماره ۲۴، تابستان، صص ۶۷-۷۹.
- جدیدی، مونا (۱۳۹۰). **از جنس رویا: نگاهی به آثار ناصر یوسفی**، تهران: قطره.
- خسروآبادی، علیرضا، سپهران، کامران (۱۴۰۱) «رنج در معرض نمایش: مطالعاتی بر رنج و تروما در نسبت با آثار ساموئل بکت»، **مطالعات هنرهای زیبا**، شماره ۸. تابستان. صص ۳-۱۱.
- رحیمی، احمدرضا و احمدزاده هروی، شیده (۱۴۰۲) «بررسی تروما در داستان «یک موضوع موقتی» از جومپا لاهیری». **نقد زبان و ادبیات خارجی**. شماره ۳۱. پاییز و زمستان. صص ۱۸-۵۵.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۹۰) نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی. چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران.
- صالح یک، مجید (۱۳۸۷) «ادبیات تطبیقی در ایران: پیدایش و چالش‌ها» **مجله زبان و ادب پارسی دانشگاه علامه**. ش ۳۸. دوره ۱۲، زمستان، صص ۹-۲۸.
- طایفی، شیرزاد، صوابی اصفهانی، آذر (۱۴۰۱) «بازنمایی ترومای ناشی از جنگ و پیامدهای آن در رمان دیوار»، **ادبیات پارسی معاصر**، شماره ۲. پاییز و زمستان. صص ۱۶۵-۱۸۸.
- فرامرزق‌راملیکی، احد (۱۳۷۸) **روش شناسی مطالعات دینی**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲) **ادبیات تطبیقی**، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مرادی، ایوب (۱۴۰۲) «بررسی خاستگاه‌های اضطراب اجتماعی در شخصیت‌های نوجوان رمان «طعم سیب زرد» از ناصر یوسفی براساس نظریه داگ ننگ» **پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی**. شماره ۹. بهار و تابستان. صص ۲۸۲-۳۰۹.
- مظاهری حبیبی، لیلا و همکاران (۱۴۰۲) «بررسی و تحلیل میزان تاثیر سایکودرام بر ترومای دوران کودکی». **مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی**. شماره ۶۴. زمستان. صص ۳۴۹-۳۵۵.
- موسوی نیا و همکاران (۱۳۹۹) «روان زخم و پیامدهای آن با تاکید بر دیدگاه اسلاوی ژژیک». **مجله نقد و نظریه ادبی**. شماره ۱۰. صص ۲۳۱-۲۷۶.
- نژادمحمد، وحید و همکاران (۱۴۰۳) «بررسی تطبیقی تروما در اولیس از بغداد و هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها»، **پژوهش‌های ادبیات تطبیقی**. شماره ۳۹. بهار. صص ۱۶۷-۱۸۹.
- هرمن، جویث لوئیس (۱۴۰۲) **گروه درمانی تراما در مراحل نخستین درمان**. ترجمه مهناز مرادی. انتشارات فرزانه روز.

یوسفی، ناصر (۱۳۹۷) طعم سیب زرد، چاپ اول، تهران: پیدایش.

- Alexander, J. C. (2004), "Toward a Theory of Cultural Trauma", in: Cultural Trauma and Collective Identity, Berkeley: University of California Press.
- Caruth, Cathy. (1995) "An Interview with Robert Jay Lifton". Trauma; Explorations in Memory, ed. Cathy Caruth. The Johns Hopkins University Press. pp. 128 - 147.
- Freud, Sigmund (1910) The Origin and Development of Psychoanalysis, The American Journal of Psychology. USA. 21.2. 181-218.
- Freud, S. (1912) Selected Papers on Hysteria and Other Psychoneuroses, New York: The Journal of Nervous and Mental Disease Publishing Company.
- Herman, J. L. (2015). Trauma and Recovery; The Aftermath of Violence - from Domestic Abuse to Political Terror. Basic Books.
- Herman, Judith Lewis. (1992) On Collective Memory, Chicago: University of Chicago Press.
- Krys tal, Henry. (1995) "Trauma and Aging: A Thirty-Year Follow-up". Trauma; Explorations in Memory, ed. Cathy Caruth. Baltimore. The Johns Hopkins University Press.. pp. 76 - 99.
- Krys tal, Henry (1995) "Trauma and Aging: A Thirty-Year Follow-up". Trauma; Explorations in Memory, ed. Cathy Caruth. Baltimore. The Johns Hopkins University Press.. pp. 76 - 99.
- Luckhurst, R. (2008). The trauma question, Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203607305>

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: ذبیح نیا عمران آسیه، بررسی رمان «طعم سیب زرد» از ناصر یوسفی از دیدگاه نقد ترومایی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۰۶-۱۹۰.